

فرزندآوری در سراسر تاریخ از کارکردهای مهم خانواده بوده است. ترغیب خانواده‌ها به داشتن یک فرزند سبب شده تا والدین با شعار دو فرزند کافی است در عمل به یک فرزند اکتفا کنند. تک فرزندی گرچه پدیده جدیدی نیست اما در جامعه ما در هیچ زمانی مانند الان فراگیر نبوده است. در میان آموزه‌های اسلامی نه تنها به تک فرزندی توصیه نشده بلکه با آن مخالفت و با رعایت شرایطی دعوت به از یاد نسل شده است بگونه‌ای که در قران کریم تکثیر نسل به عنوان یکی از مهمترین اهداف ازدواج معرفی شده است.

در ادامه به برخی از آسیب‌های تک فرزندی با رویکرد روان‌شناسی و علوم تربیتی اشاره می‌کنیم:

۱- فرزندسالاری

در خانواده‌های تک فرزندی، بیش از حد به خواسته‌ها و مطالبات فرزند توجه شده و اغلب افراط و زیاده روی والدین در برآوردن خواسته‌های تنها فرزندشان مشاهده می‌شود. هرچند این خواسته‌ها غیر منطقی، بلندپروازانه و فراتر از توان و بنیه مالی خانواده و یا حتی بیرون از مرزها و حدود قانونی و شرعی باشد.

این توجه بیش از حد والدین و قرار دادن فرزند در کانون توجهات اثرات سوئی بر شخصیت کودک دارد. اینگونه کودکان غالباً حساس، زودرنج، پرتوقع و کم صبر هستند، نمی‌توانند عواقب اشتباهات خود را آزموده و مسئولیت عمل خود را بپذیرند. این کودکان از جامعه پیرامونشان انتظار دارند همانند والدین با آن‌ها رفتار کرده و چتر حمایتی خود را بر سر آنان بگسترانند.

تک فرزندها کمتر با مشکلات مواجه شده و در معرض تجربه کردن شکست، ناکامی، رانده شدن و.. قرار نمی‌گیرند و شرایطی را که لازمه بلوغ روحی و روانی است تجربه نمی‌کنند. در بسیاری از اوقات از آنجا که دنیای واقعی کاملاً مطابق میل و خواسته این کودکان و پاسخگوی توقعاتشان نیست، دچار سرخوردگی و ناسازگاری می‌شوند. به علاوه فرزند سالاری مانع شکل‌گیری شخصیت فعال فرزند می‌شود. شخصیت فعال شخصیتی است که براساس آن، فرد نسبت به نگرش و رفتار خود هوشیار است، به راحتی تصمیم گرفته، کار خود را با اعتماد به نفس به پیش برده و آن را به اتمام نیز می‌رساند و کمتر دچار تردید می‌شود.

۲- بلوغ زودرس

فرزند در دوره اولیه کودکی بیشتر نیازمند حضور والدین خود است. ولی در دومین دوره



کودکی اش نقش همسالان بارزتر می‌شود و مهارت‌های زیادی را از آنان می‌آموزد. وجود خواهر یا برادر بزرگ تر نیز می‌تواند مهارت‌های لازم برای اجتماعی شدن او را فراهم کند. حال اگر فرزند تک باشد به ناچار باید در کنار بزرگسالان پرورش یابد. در نتیجه او تجربه‌ای از کودکی و نوجوانی خود نداشته و با بازی‌ها، کارها و نقش‌های

این گروه سنی آشنا نیست و یک دفعه پرشی به دوران مسئولیت پذیری بزرگسالان خواهد داشت. وی از لحاظ روحی و روانی بسیار سریعتر رشد کرده و دنیا را از دید بزرگسالان می‌بیند. حضور در چنین خانواده‌ای که فقط شامل افراد بالغ است سبب بلوغ زودرس کودک می‌شود.. از عوارض بلوغ زودرس این است که کودکان در مقابل استرس‌های زمان جوانی قرار گرفته و نمی‌دانند چه باید بکنند. آنها از نظر جسمی نشانه‌های بلوغ را دارند؛ ولی تجربه کافی ندارند. در این شرایط در هر دو جنس، به دلیل افزایش تمایل به شهوت، رفتارهای ناهنجاری همچون خودارضایی شیوع پیدا می‌کند.

۳- کم شدن روابط اجتماعی و عدم جامعه‌پذیری

فضای زندگی خانوادگی توأم با فرصت‌های کافی برای روابط متقابل متنوع بوده، برای فرزندان الگوهای رفتاری و زمینه‌های تبادل تجارب و تمایلات و عواطف را به وجود آورده و از عوامل موثر در بهبود مهارت در روابط اجتماعی است. اما در خانواده‌های هسته‌ای و محدود و با فرزندان کم و به‌خصوص تک فرزند، برخورداری از فضای زندگی خانوادگی ممکن نیست.

گرایش به انزوا، افسردگی، ضعف در برقراری ارتباط با همسالان، توجه بیش از حد به بازی‌های رایانه‌ای و انفرادی، ترس یا تنفر از حضور در گروه‌های اجتماعی از جمله خصوصیات تک فرزندهاست. زندگی در کنار برادر یا خواهر روحیه جامعه‌گرایانه کودک را تقویت کرده و مدیریت در روابط اجتماعی را به وی می‌آموزد. هم دلی و هم سویی با افراد خانواده، عشق ورزی و سهولت در برقراری ارتباط با افراد هم سن در جامعه و مدرسه از اصلی‌ترین ویژگی‌های فرزندان خانواده‌های دارای بیش از یک فرزند است.

محدودیت روابط اجتماعی در خانواده‌های تک فرزند می‌تواند دنیای روانی و اجتماعی افراد را محدود جلوه دهد و در این شرایط اگر مشکلی برای فرد به وجود آید ممکن است پیامدهای تهدید کننده‌ای پدید آورد، زیرا فرد می‌ترسد با از دست دادن یک نقطه‌ی امید و اتکا نتواند به کانون دیگری چشم امید داشته باشد.

همچنین وقتی روابط محدود است، جزئیات آن می‌تواند اشتغال ذهنی زیادی برای



افراد ایجاد کند. برای مثال دیده می‌شود که مادر با مشاهده‌ی کوچکترین احتمال آسیب یا بیماری فرزندش سراسیمه و آشفته می‌شود یا هر رفتار ظاهرا غیرمعمول و غیر عادی کودک را نشانه‌ای از پدیدآیی مشکل رفتاری و اخلاقی او می‌داند، یا پدر با بروز کوچکترین مشکل در زندگی خانواده دچار

حالت اضطراب و دستپاچگی می‌گردد و البته توجه به جزئیات رفتاری در این گونه خانواده‌ها سبب درگیری‌های کم اهمیت در خانواده نیز می‌شود.

۴- کاهش انسجام خانواده

یکی از مولفه‌های خانواده منسجم، پیوندهای عاطفی و میزان وابستگی فرزندان به والدین و بالعکس است. به همان میزان که وابستگی متعادل ضروری و دارای مزایای فراوان است افراط و تفریط در آن دارای آسیب بوده و مشکل زاست. در خانواده‌های تک فرزند میزان وابستگی دارای افراط و تفریط است. به این معنا که گاهی اوقات

فرزند به سبب اشتغال والدین مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار می‌گیرد و گاهی نیز در کانون توجه بیش از حد والدین هست. تعدد فرزندان می‌تواند سبب ایجاد هماهنگی لازم و شکل‌گیری وابستگی متعادل باشد.

کاهش وابستگی فرزندان به خانه و خانواده در

خانواده‌های تک فرزند سبب احساس تنهایی عمیق، ترویج فرهنگ استقلال طلبی، افزایش میل به فرار، کم شدن قبح تک زیستی و تجرد، کاهش قداست و اهمیت تشکیل خانواده و افزایش سن ازدواج می‌شود. در حاشیه‌ی شهرها که اصولاً خانواده‌ها جدا شده از شبکه خویشاوندی هستند شاهد افزایش کودک‌آزاری کودکان رها شده و افزایش بزه هستیم.

۵- تضعیف شبکه‌ی ارتباطی خویشاوندی

تجربه و ادراک مستقیم روابط انسانی در قالب زندگی "خانوادگی" به شکل سنتی آن، احساس ناشی از داشتن "خواهر" یا "برادر" و در شبکه روابط خویشاوندی مثل "عمو"، "عمه"، "دایی" و "خاله" است که عامل پیوندها و ثبات عاطفی در روابط اجتماعی نخستین هستند. سیاست تک فرزندی می‌تواند تبعات مخرب عاطفی داشته و نسل برآمده از این خانواده‌ها به سمت انزوا و تنهایی سوق داده می‌شوند.

به علاوه خانواده‌هایی با فرزندان بیشتر با نشاط‌تر هستند و در یک خانواده‌ی کامل



آسیب‌های تگ فرزندی



تهیه و تنظیم:

معاونت پژوهش شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده

تلویزیون:



تحقیقات درباره‌ی رشد شناختی نشان می‌دهد که تعامل اجتماعی محرک بسیار مهمی در تکامل رشد است. کودکان مدت زمان زیادی را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند و فرصت کمتری برای دیگر فعالیت‌های فیزیکی و تعامل با هم سالان دارند. این امر تعامل اجتماعی را کاهش داده و می‌تواند تاثیر منفی بر رشد شناختی داشته باشد.

بازی‌های رایانه‌ای:



اعتیاد و وابستگی، پرخاشگری، القای ارزش‌های فرهنگی ناهمخوان و پیامدهای جسمانی اعم از چاقی دردهای مفصلی، درد مچ، گردن و پیامدهای روانی و آسیب رشته‌های عصبی پیرامونی، شب‌ادراری و توهم حداقل آسیب‌های بیان شده برای بازی‌های رایانه‌ای هستند که امروزه بیشتر اوقات کودکان تنها را پر می‌سازد.

اینترنت و ماهواره:

یکی از عوارض اینترنت، اعتیاد به آن است. کاهش رضایت از زندگی و احساس محرومیت در افراد - که از طریق مقایسه‌ی وضع خود با دیگران به وجود می‌آید - از آسیب‌های این فضای مجازی و برنامه‌های ماهواره است. علاوه بر این‌ها افزایش انتظارات، تشدید روحیه‌ی مصرف‌گرایی، ارائه سبک زندگی، تضعیف پابندی مذهبی، تسریع روند یکسان‌سازی فرهنگ‌ها از دیگر مضراتی است که می‌توان به آن اشاره کرد.

مطابق با تحقیقات انجام شده افرادی که به استفاده از شبکه‌های اجتماعی اینترنت گرایش بیشتری دارند مشکلاتی از قبیل کاهش سلامت روان، کاهش روابط اجتماعی، غفلت در انجام دادن مسئولیت‌های مربوط به خانواده، شغل و تحصیلات را گزارش کرده‌اند.

منابع

- بیابانگرد، اسماعیل، (۱۳۸۷)، فرزند من و رسانه، مرکز امور زنان و خانواده
- تاجیک اسماعیلی، عزیزالله، (۱۳۷۵)، فرزند کمتر یا بیشتر، پیوند، شماره ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳
- حق شناس، جعفر، (۱۳۸۸)، آسیب‌شناسی خانواده
- خانواده ی پویا، (۱۳۸۶)، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی
- رسانه های جمعی و مشکلات خانوادگی، فروردین و بهشت ۸۸، شماره ۲۵۴ و ۲۵۵
- رحمتی شهرضا، محمد، (۱۳۹۱)، بررسی ازدیاد یا کنترل جمعیت، انتشارات فاتح خیر
- سادات، محمد علی، (۱۳۷۵)، رفتار والدین با فرزندان، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان



که به مثابه یک سیستم است هر نسبتی اعم از برادر خواهر عمو عمه خاله و دایی در آن حضور دارند. بر اساس تحقیقات روان‌شناسان رفتارهای پسری که خواهر دارد به هنجار تر از رفتارهای پسری است که خواهر ندارد. یک متخصص کودکان و روانکاو معروف انگلیسی،

بر این باور است که ارتباط با خواهر و برادر نقشی مهم و اساسی در رشد و شکوفایی کودک ایفا می‌کند. این ارتباط در او میل به بازی و سرگرمی ایجاد می‌کند، این امکان را فراهم می‌سازد تا نقشهای متفاوتی را بازی کند، به او کمک می‌کند تا خلاقیت و خودجوشی اش را افزایش دهد، به او فرصت می‌دهد تا خشم و پرخاشگری اش را ابراز کند و به او می‌آموزد تا این حس را هدایت کند؛ همان چیزی که او را برای زندگی در جامعه و رویارویی با افراد آماده می‌کند.

کاهش اقتدار والدین پیامد دیگر تضعیف شبکه خویشاوندی و روابط خانوادگی است. در یک سیستم خانوادگی کامل، همگان فرزندان را به پدر و مادرشان ارجاع می‌دهند این کار سبب شکل‌گیری یک اقتدار درون شبکه ای و نهادینه شدن الگوی هرمی قدرت در خانواده به صورت غیر مستقیم در ذهن کودک می‌شود. ایجاد اقتدار توسط خود والدین و به دور از شبکه خویشاوندی اصولاً آسیب‌های بسیاری چون بروز خشمونت یا دیکتاتوری والدین را به دنبال خواهد داشت. در صورتی که این اقتدار به شکل طبیعی در درون شبکه خویشاوندی شکل می‌گیرد.

شبکه خویشاوندی در پرورش دینی و مذهبی فرزندان نیز تاثیر مستقیم دارد. الگوپذیری در کودکان امری طبیعی بوده و آنان پیوسته از رفتار اطرافیان خود اثر می‌پذیرند این نوع آموزش که آموزش مشاهده‌ای و غیر مستقیم است در تربیت کودک بسیار موثر است.

۶- جایگزینی رسانه

رسانه‌ها مانند دریچه‌ای به جهان خارج در دیدگاه‌ها و رفتارهای افراد مؤثر هستند؛ کم شدن ارتباطات کلامی، در خانواده‌های کم جمعیت، سبب حاکمیت رسانه‌های تصویری می‌گردد، این امر تغییر الگوی ارتباطی در خانواده را به همراه دارد. کودک یا نوجوانی که از تنهایی رنج می‌برد به دنبال جایگزینی برای اوقات فراغت خود است در نتیجه به تلویزیون، جاذبه‌های گرافیکی و هیجان‌های کاذب در بازی‌های رایانه‌ای و دنیای مجازی رو می‌آورد.